

Original Article

Historical Analysis of Muslim Trade Relations With Non-Muslims; Criteria and Goals

Hamed Hagshenas¹, Ali Akbar Farahzadi^{2*}, Abedin Momeni³

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Islamic Religions, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Islamic Law, University of Judicial Sciences, Tehran, Iran.. (Corresponding Author) Email: aliakbar.farahzadi@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Tehran, Iran.

Received: 25 Jan 2020 Accepted: 27 Jun 2020

Abstract

Background and Aim: Examining Trade Relations From the Perspective of Religious Teachings is one of the Basic Criteria in Examining the Attitude of Islam Towards Interaction and Establishing Relations With Other Nations, Including Non-Muslims. The Aim of the Present Study is to Study the Historical Relationship of Muslim Business Relations From the Perspective of Verses and Hadiths as well as the Life of the Holy Prophet of Islam (PBUH) and the Infallibles (AS).

Materials and Methods: This Research is Based on a Descriptive-Analytical Method and Using a Historical Approach and Analysis of Documents and the Use of Written Library Resources and Using Verses, Hadiths and Jurisprudential Opinions Known as Historical Analysis of Muslim Trade Relations With Non-Muslims. Paid.

Findings: Muslim Trade Relations With Non-Muslims are Closely Related to Civil Rights in Islam. This Means that According to Islamic Rules, Muslim Trade Relations With Non-Muslims Should be Based on the Inherent Dignity of Human Beings, the Dignity of the Islamic Society, the Denial of Hardship and Also the Interest of the Islamic Society.

Conclusion: As Long as Non-Muslims do not Act Against the Public Security and Integrity of the Islamic Society, they Can have Economic and Commercial Activities Like Other Citizens, And Muslims Can also Establish Business Relations With Them. Islam's Attitude Towards Interacting With Non-Muslims is Followed by Considering General and Specific Privileges for Non-Muslims, Which, of Course, Should not be an Economic Pretext for the Spread of Unusual and Forbidden Economic Practices in the Field of Business and Wealth Creation.

Keywords: Muslims; Non-Muslims; Islam; Historical Analysis; Citizenship Rights.

Please cite this article as: Hagshenas H, Farahzadi A. A, Momeni A. Historical Analysis of Muslim Trade Relations With Non-Muslims; Criteria and Goals. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 87-98.

واکاوی تاریخی رابطه تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان؛ معیارها و اهداف

حامد حق‌شناس^۱، علی‌اکبر فرح‌زادی^{۲*}، عابدین مومنی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق اسلامی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: aliakbar.farahzadi@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

چکیده

زمینه و هدف: بررسی روابط تجاری از منظر آموزه‌های دینی یکی از معیارهای اساسی در بررسی نگرش دین اسلام نسبت به تعامل و برقراری روابط با سایر ملت‌ها از جمله غیرمسلمانان است. هدفی که پژوهش حاضر دنبال می‌کند، بررسی تاریخی روابط تجاری مسلمانان از منظر آیات و روایات و همچنین سیره رسول گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع) است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد تاریخی و تحلیل اسناد و استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده و ضمن بهره‌گیری از آیات و روایات و آراء و نظرات فقهی مشهور به واکاوی تاریخی روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان پرداخته است.

یافته‌ها: روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان ارتباط وثیقی با حقوق شهروندی در اسلام دارد. بدین معنا که بر مبنای احکام اسلامی، روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان می‌بایست بر مبنای عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها، عزتمندی جامعه اسلامی، نفی عسر و حرج و همچنین مصلحت جامعه اسلامی صورت گیرد.

نتیجه‌گیری: تا زمانی که غیرمسلمانان اقدامی خلاف امنیت عمومی و کیان جامعه اسلامی ننمایند همانند سایر شهروندان می‌توانند فعالیت اقتصادی و تجاری داشته باشند و مسلمانان نیز می‌توانند با آنان رابطه تجاری برقرار نمایند. نگرش اسلام به تعامل با غیرمسلمانان با در نظر گرفتن امتیازات عام و خاص برای غیرمسلمانان دنبال می‌شود که البته نباید سود و منافع اقتصادی به دستاویزی برای رواج شیوه‌های نامعمول و حرام اقتصادی در زمینه کسب و کار و تولید ثروت باشد.

واژگان کلیدی: مسلمانان؛ غیرمسلمانان؛ اسلام؛ واکاوی تاریخی؛ حقوق شهروندی

مقدمه

استفاده از ظرفیت بازار غیرمسلمانان در روابط اقتصادی در حوزه‌های مختلف، یکی از راههای گشایش اقتصادی و برون رفت از مشکلات مالی مسلمانان می‌باشد. این مسأله از گذشته نیز یکی از دغدغه‌های اساسی دولت‌های اسلامی بوده است و حتی بخش مهمی از رفتارهای عینی و نظریات فقهی به این مسأله اختصاص دارد. ضمن اینکه دین اسلام بر پایه الگوها و نگرش‌هایی استوار است که لزوم رعایت و پایبندی به آنان می‌تواند گویای نحوه تعامل و اهداف آن از برقراری رابطه با سایر ملت‌ها و شهروندان در طول تاریخ باشد. از این حیث، در زمان صدر اسلام و پس از آن، نگرش امامان معصوم (ع)، و همچنین فقها، جایگاه غیرمسلمانان در مسائل تجاری و اقتصادی حائز اهمیت بوده است. از جمله اینکه همواره در مجاورت مسلمانان، غیرمسلمانان نیز زندگی می‌کردند و هرکدام به فراخور شرایط خاص سیاسی و اقتصادی، دارای نیازها و کاستی‌هایی در حوزه‌های مختلف اقتصادی بوده‌اند. در کنار این مسأله، توجه به نحوه ثروت‌اندوزی، استفاده از راه‌های مشروع و پسندیده، مبارزه با استثمار و بهره‌کشی از جمله معیارهای دین اسلامی در برقراری تعامل با سایر ملت‌ها بوده است که در صورت رعایت آنان توسط غیرمسلمانان، حکم به تعامل با آنان داده می‌شود. رویکرد خاص در این مقاله از آن جهت است که اولاً با رویکرد تاریخی به شرایط موجود در روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان می‌پردازد و ثانیاً نقش دولت اسلامی به عنوان شخصیت حقوقی در تعامل با سایر دولت‌ها و ملت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و ابعاد روابط تجاری با غیرمسلمانان را براساس اهداف و معیارهای فقهی روشن می‌سازد.

پیشینه و ادبیات تحقیق

فهیمی (۱۳۹۲) در کتاب حقوق شهروندی غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، به اهمیت حقوق غیرمسلمانان در جامعه اسلامی می‌پردازد و حقوق اجتماعی آنان را مصداق یکی از نظام‌های سیاسی حقوق مدار معرفی می‌کند. در این نظام، غیرمسلمانان نیز از حقوق و وظایفی برخوردار هستند که در

صورت عدم اخلال در نظام اجتماعی به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند. کدیور و عبدالمحمدی نیز در مقاله حقوق غیرمسلمانان در اسلام معاصر، به بازخوانی اندیشه اسلامی در قبال غیرمسلمانان پرداخته‌اند و بدین نتیجه می‌رسند که گرایش‌های اسلام‌گرا در قالب سیاست و حکومت نیازمند توجه جدی به وضعیت غیرمسلمانان در عصر حاضر هستند تا از این طریق بتوانند جامعه دموکراتیکی را برپا دارند. همچنین در کتاب حدود ارتباط با کافران که توسط سید مهدی میر داداشی نوشته شده، مواردی به روابط اقتصادی با کافران اختصاص داده که از این جهت به روابط مسلمانان و غیرمسلمانان توجه نشان داده است. همچنین مهریزی نیز در اثری با عنوان روابط اقتصادی مسلمانان با کافران که بیشتر بررسی جنبه تاریخی روابط مسلمانان با کافران در زمان پیامبر (ص) است، به رشته تحریر درآمده است.

تحقیقات ذکر شده هرکدام به نوعی روابط و معیارهای زندگی در جامعه اسلامی را برای غیرمسلمانان نشان می‌دهند و از این جهت با پژوهش حاضر نیز هم راستا هستند، اما آنچه باعث نوآوری پژوهش حاضر می‌شود، بررسی روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان در دوره‌های مختلف تاریخی است که البته بیش از همه راهنمایی برای روابط اقتصادی شهروندی در عصر جدید برای مسلمانان باشد.

مبانی نظری؛ اصول تجارت و روابط اقتصادی در اسلام

دین اسلام دارای برنامه‌های کاملی برای اداره زندگی در تمام ابعاد آن است. به همین دلیل برای حوزه‌های مختلف زندگی انسان، احکام و قواعد معینی وضع کرده که اطاعت و اجرای آن می‌تواند باعث سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت گردد. بررسی آیات و روایات در اسلام نشان می‌دهد که دین مبین اسلام، راهکارهای متفاوتی برای تجارت و گردش ثروت و انجام معاملات ارائه می‌دهد که در نهایت هم بتواند عدالت را در جامعه برقرار سازد و هم جلوی تکثر ثروت و نابرابری را بگیرد. بنابراین شریعت ما انباشتن ثروت به صورت راکد را نکوهش می‌کند و بر انفاق بخشی از دارایی در جهت رسیدگی به قشر آسیب‌دیده جامعه و همچنین به‌کارگیری بقیه آن در

مسیر تولید، تجارت، خدمات و دیگر موارد مثبت اقتصادی، تأکید می‌ورزد. قرآن کریم در سوره توبه، آیه‌های ۳۴ و ۳۵ در این زمینه چنین می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إن كثيرا من الأخبار والرهبان لیاکلون أموال الناس بالباطل ویصدون عن سبیل الله والذین یکتزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب أليم. یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم الأنفسکم فذوقوا ما کنتم تکرون». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از علمای اهل کتاب و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند، و مردم از راه خدا باز می‌دارند! و کسانی را که طلا و نقره را ذخیره می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذاب دردناکی بشارت ده. در آن روز، آن را در آتش جهنم، داغ و سوزان کرده، و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند؛ (و به آنها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید، پس بچشید چیزی را که برای خود ذخیره ساختید» (۱).

براساس آیه فوق، انداختن ثروت بدون انفاق و به‌کارگیری آن در مسیر تولید و تجارت و امثال آن، خلاف حق و مورد نکوهش اسلام است (۲). همچنین یکی دیگر از اصول تجارت در اسلام مخالفت با اسراف و تجمل‌گرایی و ثروت‌مداری بر مبنای اعتدال و میانه‌روی است. «اسراف» به معنای افراط و تجاوز از حد اعتدال است. این پدیده که از گناهان بزرگ و معاصی کبیره می‌باشد، از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی، مورد نکوهش شدید قرار گرفته است. در آیه ۱۴۱ از سوره انعام چنین می‌خوانیم: «کلوا من ثمره إذا أثمر وآتوا حقه یوم حصاده ولا تسرفوا إنه لا یحب المسرفین». «از میوه‌های درختان به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آنرا به هنگام درو، بپردازید، و اسراف نکنید، که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (۱). در آیه ۳۱ از سوره اعراف نیز، چنین آمده است: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد وکلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا یحب بالمسرفین». «ای فرزندان آدم! زیور و زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید، و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که

خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (۱). امیرمؤمنان علی (ع) در این زمینه چنین می‌فرماید: «و إن إعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و إسراف و هو یرفع صاحبه فیالدنیا و یضعه فی الآخرة و ینکرمه فیالناس و یهینه عندالله» (۳). «آگاه باشید! صرف کردن مال در غیر مورد استحقاق، تبذیر و اسراف است. این عمل صاحب خود را در دنیا بالا می‌برد، اما در آخرت پست و حقیر می‌سازد، و در نظر توده مردم سبب اکرام می‌گردد، اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام وی خواهد شد». روایت شده است که امام کاظم (ع)، در زمینه آثار شوم اسراف، چنین می‌فرماید: «من بذر و اسرف زالت عنه النعمة». «کسی که تبذیر و اسراف کند، نعمت از او گرفته می‌شود. در مقابل صفت اسراف و تبذیر، صفت قناعت و صرفه‌جویی قرار دارد» (۴). بنابراین نظام اقتصاد اسلامی باید مبتنی بر صرفه‌جویی، و مبرا از اسراف و تجمل‌گرایی باشد (۲).

بعد دیگر اصول تجارت در اسلام مبارزه با استثمار و بهره‌کشی انسان‌هاست. مقصود از استثمار، بهره‌کشی ظالمانه و بهره‌برداری از کار دیگران است. نقطه مقابل استثمار، «قسط» است. بنابراین، مقتضای قسط، احقاق حق هر فرد نسبت به کار و تلاشی که داشته است می‌باشد. قرآن مجید در آیات متعددی، بر اجرای قسط که موجب ریشه‌کن شدن استثمار می‌گردد، تأکید می‌کند. به عنوان مثال، در آیه ۱۳۵ از سوره نساء چنین آمده است: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی أنفسکم أو الوالدین والأقربین إن یکن غنیا أو فقیراً فالله أولی بهما فلا تتبعوا الهوی أن تعدلوا و إن تلؤوا أو تعرضوا فإن الله کان بما تعملون خبیرا». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام به قسط و عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید، اگرچه به زبان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد. اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید، زیرا در غیر این صورت، از حق منحرف خواهید شد، و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن اجتناب نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» (۱).

مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد و هم عزت و پیشرفت مسلمانان را به دنبال داشته باشد.

بر همین اساس و در گام اول باید گفت جامعه اسلامی می‌تواند متشکل از مسلمانان و غیر مسلمانان شامل اهل کتاب و کفار شود. مسلمانان نیز به صورت مؤمنان معتقد کامل، مد نظر نیستند بلکه می‌توان در میان آنان افرادی را در نظر داشت که علی‌رغم مسلمان بودن، دارای عقاید خاص و رفتار خاص هستند که غالباً طبق موازین اسلام اصیل، قابل قبول نمی‌باشد. در تعیین حقوق شهروندی اساساً ما با جامعه ایده‌آل و مدینه فاضله اسلامی روبه‌رو نیستیم، بلکه باید با واقع‌نگری جامعه‌ای را مدنظر داشته باشیم که آن را افرادی با عقاید مختلف و ادیان گوناگون و با نوع رفتارهای متفاوت تشکیل می‌دهند. همین رویکرد نیز در عرصه روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان نیز حاکم است. بر همین اساس، در دیدگاه اسلامی، خانواده جهانی به سه بخش تقسیم می‌شود: مسلمانان، موحدان غیر مسلمان (اهل کتاب) و کافران در مدیریت جامعه اسلامی و جهانی، اسلام برای سه گروه حقوق ویژه ای قایل است (۵). قرآن در ارتباط با گروه‌های غیر مسلمان، مسلمانان را امر به رعایت حقوق خاص آنان و رعایت عدل و قسط در برخورد با آنان می‌نماید که خود نشانگر توجه به حقوق سایر افراد جامعه در نظام اسلامی است. به فرموده قرآن کریم: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (۱). همچنین مبنای رفتار اسلامی با تمامی افراد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، حسن سلوک و رفتار می‌باشد: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (۱).

همچنین اصل وفاداری به تعهدات و عقود نیز یکی دیگر از معیارهای روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان است که در آیات و روایات نیز بدان تأکید شده است. چنانچه در قرآن به مسلمانان امر شده است که در پیمان خود با غیرمسلمانان در صورتی که آنان بر پیمان خود پایدار باشند، وفادار بمانند: «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (۱). در مورد قضاوت، جامعه اسلامی مأمور است که قضاوتی عادلانه و مبتنی بر عدل و داد

رسالت اسلام و همه ادیان الهی در برپا داشتن قسط و عدل، و مبارزه با استثمار و بهره‌کشی از دیگران است و این مسأله می‌تواند راهنمایی جامعی برای اصول تجارت در اسلام تلقی شود. بخش مهم دیگر اصول تجارت در اسلام، رسیدگی به محرومان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. لزوم رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه به عنوان یکی از مبانی اساسی در اقتصاد اسلامی، در سراسر آیات شریفه قرآن مجید و روایات اسلامی، موج می‌زند. در آیه ۲۶ از سوره اسراء، چنین آمده‌است: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ. حَقَّ بَسْتًاغًا وَمُسْتَمْتَدًا وَوَامِنًا دَانَ رَاهَ رَاهَ بَرَادًا» (۱). از این آیه کریمه به خوبی روشن می‌گردد، که آنچه لازم است به گروه مستمندان پرداخت شود، حق آنان است، که در صورت عدم پرداخت آن، همگان در پیشگاه خدا مسئول می‌باشند. امام علی (ع) روایتی را بدین شرح، از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: سمعت رسول الله يقول في غير موطن: «لن تقدس أمة لا يؤخذ الضعيف فيها حقه من القوى غير متعيع» یعنی: من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بدون لکنت کلام و بهانه‌ای بازنستاند، رستگار نخواهد شد» (۲).

تجزیه و تحلیل

تعامل مسلمانان با غیرمسلمانان دارای شرایط و معیارهای خاصی است که در واقع براساس شواهد تاریخی و همچنین اهداف دین اسلام می‌توان به نحوه این تعامل و حتی اهداف آن اشاره نمود.

۱- تعامل با غیرمسلمانان در امور تجاری

حقوق اقتصادی همانند سایر حقوق مطرح شده در آموزه‌های اسلامی بسیار منحصر به فرد و نمونه است. به همین دلیل، همواره از نظام اجتماعی در اسلام به عنوان الگویی برای دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی نام برده می‌شود. در همین راستا، بررسی روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان می‌تواند الگویی برای روابط تجاری مسلمانان با دولت‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف باشد. روابطی که هم

داشته باشد، گرچه اصحاب دعوی غیرمسلمان باشند؛ این تصریح آیه قرآن است که می‌فرماید: «وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (۱). بر این اساس باید گفت مبنای اسلام در تعیین حقوق افراد، صرف مسلمان بودن آنها نمی‌باشد. افراد از هر کیش و آیین که باشند، تا جایی که عداوت عملی با جامعه اسلامی و دولت اسلامی و مسلمانان نداشته باشند، دارای حقوق ویژه خود، از جمله حقوق شهروندی خواهند بود. شواهد تاریخی نیز حکایت از آن دارد که امام علی (ع) در نامه ۵۱ به کارگزاران بیت‌المال، چنین می‌فرماید: «از بنده خدا امیرمؤمنان به کارگزاران جمع‌آوری مالیات. پس از یاد خدا و درود. همانا کسی که از روز قیامت نترسد، زاد و توشه‌ای از پیش نخواهد فرستاد. بدانید، مسئولیتی را که به عهده گرفته‌اید، اندک اما پاداش آن فراوان است. اگر برای آنچه خدا نهی کرد، مانند ستمکاری و دشمنی، کیفری نبود، برای رسیدن به پاداش در ترک آن نیز عذری وجود نداشت. در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیباً باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، و مرکب‌سواری و برده او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است - دست‌اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود» (۳). لذا، از دیدگاه امام علی (ع) پرداخت مالیات‌های اسلامی از نظر شرعی امری واجب و به عنوان حق‌الله محسوب می‌شود. لذا انجام آن عبادت و دارای اجر اخروی و عدم پرداخت آن گناه و مستحق مجازات در دنیا و آخرت می‌باشد.

اصول تجارت در اسلام بر مبنای برابری میان مسلمانان و غیرمسلمانان دنبال می‌شود همچنان‌که شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهند که در سیره حکومتی علی (ع)، شهروندان به دو دسته تقسیم می‌شوند: «آن‌هایی که در خلقت با تو برابری و

انسان‌اند و آن‌هایی که در دین با تو مشترک‌اند که همانا مؤمنان‌اند». امام سجاد (ع) نیز در رساله حقوق، بین حقوق مسلمانان به طور عموم (حق اهل ملتک عامه) و حقوق غیر مسلمانان ذمی (حق اهل الذمه) تفکیک قائل می‌شود. اصول حقوق تجارت در اسلام نسبت به غیرمسلمانان در نگرش اسلام به حقوق شهروندی نهفته است. همچنان‌که در جامعه اسلامی، همه انسان‌ها به صرف انسان بودن از حقوق اولیه برخوردار هستند که هرگز نمی‌تواند توسط دولت اسلامی تعطیل و یا نادیده گرفته شود. بر این اساس، تمایزات شکل گرفته میان انسان‌ها که معمولاً بر پایه تفاوت‌های پوستی، نژادی، مذهبی، رنگ و ... صورت می‌گیرد، خللی در اصل حقوق شهروندی در اسلام وارد نمی‌سازد و این تفاوت‌ها لازمه ادامه حیات انسانی است که در نهایت منافع همگان را تسهیل می‌نماید. با این حال، حقوق شهروندی در اسلام از جمله در حیطه تجارت با غیرمسلمانان فراتر از این رویه است. چنان‌چه «تبعیض مثبت» به سود غیرمسلمانان حاکی از گرایش عمیق شهروندی در نزد آموزه‌های اسلامی است. این رویکرد یکی از مؤلفه‌های مهم تجاری در نظام اسلامی است که در حق غیرمسلمانان انجام شده است و در کمتر نظام حقوقی می‌توان آن را مشاهده نمود. به عنوان مثال می‌توان به تکلیف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی اشاره نمود که تنها در یک مورد و آن هم، مسأله مالیات است و تحت عنوان جزیه مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد این رویه در اغلب نظام‌های حقوقی جهان نیز متداول است. بنابراین نگرش اسلام مقدم بر حقوق شهروندی معاصر نیز می‌باشد. از این روی، جزیه نیز دارای بُعدی اجتماعی است و نشانگر همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با غیرمسلمانان است که در واقع در قبال خدماتی که دولت اسلامی ارائه می‌دهد، مبلغی تحت عنوان جزیه دریافت می‌نمایند تا بتوانند با آسایش به زندگی خود ادامه دهند. در این زمینه می‌توان به آیه شریفه اشاره نمود که می‌فرماید: «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین أوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن یدٍ و هم صاغرون». «با کسانی از اهل

به حقوق بازنشستگی در زمانه امروزی است. در این زمینه می‌توان به رفتارهای امام علی (ع) در دوران تصدی خلافت اشاره نمود که در واقع هزینه‌های مرد سالخورده را از بیت‌المال مسلمانان تأمین می‌کرد (۶). بنابراین ابعاد اقتصادی و اجتماعی حقوق شهروندی در اسلام به خوبی نشانگر تعامل آزاد غیرمسلمانان در جامعه اسلامی دارد که در مسائل مختلفی از جمله روابط تجاری نیز حکمفرما است. تنها مواردی که می‌تواند استثنائی در این زمینه تلقی شود، تصاحب مناسب کلیدی در جامعه اسلامی است که در واقع به دلیل حساسیت رعایت آرمان‌های اسلامی توسط مسلمانان است و از این حیث، نمی‌توان مناصب کلیدی و حساس را به دست آنان سپرد (۷).

با این حال، شواهد تاریخی نشان می‌دهند که نگرش اسلام و معصومین (ع) همواره براساس اصل عزت و احترام به آنان بوده است. چنان‌که در مواجهه مولای متقیان با پیرمرد نصرانی می‌توان این مسأله را به خوبی مشاهده نمود. روایت شده که حضرت علی (ع) پیرمرد نصرانی را مشاهده نمود که گدایی می‌کند. از حاضران پرسید که او کیست؟ پاسخ دادند: نصرانی است. حضرت علی (ع) فرمودند: او را به کار گماشته و حالا که پیر شده او را رها کرده‌اید؟ بنابراین دستور داد تا از بیت‌المال برای او مستمری در نظر بگیرند و مخارجش را تأمین کنند (۸). باز در زمینه روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان نقل شده که «اهل الشرك کلهم مله واحده»، یا «الکفر مله واحده کله»، که در واقع به معنای حضور غیرمسلمانان در دایره تعاملات اقتصادی و تجاری با مسلمانان نیز می‌باشد و ذکر کردن اهل کتاب برای آنان در قرآن به معنای ایجاد محدودیت و نادیده گرفتن حقوق غیرمسلمانان نیست، بلکه نشان‌دهنده حضور آنان در جامعه اسلامی و اخذ جزیه از آنان است (۶). بنابراین تنها کسانی که مرتد هستند و آشکارا با نادیده گرفتن احکام اسلامی، به جنگ با خدا و رسول گرامی اسلام می‌روند، از شمولیت تعامل تجاری محروم هستند. بنابراین غیرمسلمانان دیگر که در تعامل حیات بخش با مسلمانان هستند، مشمول قواعد شهروندی اسلامی می‌باشند (۹). بدین ترتیب با این شرایط می‌توان مطابق اصول و معیارهای اسلامی با غیرمسلمانان نیز روابط تجاری برقرار نمود.

کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند! (۱).

با توجه به آیه شریفه فوق، هدف دین اسلام از برقراری جزیه نسبت به غیرمسلمانان، برقراری رفاه و ایجاد تکلیفی برای آنان به عنوان شهروندان است. بنابراین اگر اصطلاح «صاغرون» به کار رفته است، در حقیقت پذیرش ولایت اسلامی است و در صورت تعدی غیرمسلمانان نسبت با امنیت عمومی و حاکمیت دولت اسلامی و نادیده گرفتن احکام اسلامی، پیکار با آنان مورد نظر است. سویه دیگر این رفتار در واقع توجه به خدماتی است که شهروندان غیرمسلمان انجام می‌دهند که در این صورت اگر آنان در قالب مشاغل گوناگون خدمتی به نظام اسلامی کرده باشند، از مالیات نیز معاف هستند. نمونه تاریخی این مسأله معاف شدن در مسأله حفر کانال آب از قاهره به دریای سرخ در عصر خلیفه دوم است که بانیان از پرداخت مالیات (جزیه) معاف شده بودند. بنابراین اصل تعامل و روابط مسالمت‌آمیز، اساس حقوق شهروندی در اسلام به شمار می‌رود که در مسأله تجارت و مراوده اقتصادی مسلمانان و غیرمسلمانان نیز جاری است. بنابراین شواهد تاریخی نشان‌دهنده آن است که غیرمسلمانان حتی می‌توانستند تجارت با بهره بالا را نیز در امور اقتصادی خود دنبال نمایند و حتی در عمل، موازنه ثروت به نفع غیرمسلمانان بوده است. براساس همین موارد است که برخی بر این عقیده هستند که در چنین رویکرد تجاری - اقتصادی، در درازمدت این غیرمسلمانان بودند که از وضعیت اقتصادی مطلوب‌تری برخوردار بودند (۶). دلیل مطرح شدن چنین نظری آن است که شهروندان اسلامی علاوه بر پرداخت مالیات که با شهروندان غیرمسلمان برابر می‌شدند، هزینه‌های شرعی نظیر خمس، زکات، ممنوعیت ربا، ممنوعیت خرید اجناس محرمة را نیز باید رعایت می‌کردند. به طور مثال حتی گفته می‌شود که مالیات سرانه یک مسلمان در صدر اسلام به ۲۰۰ درهم می‌رسید. علاوه بر این برخی شواهد دیگر مؤید آن است که غیرمسلمانان دارای حقوق دیگری بودند که چیزی شبیه

۲- قاعده نفی سبیل و نحوه تعامل با غیرمسلمانان

دین اسلام برای برقراری روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان اصول و قواعد معینی در نظر گرفته است که می‌تواند راهنمایی برای روابط طرفین و دستیابی به حقوق غیرمسلمانان در نظر گرفته شود. مهم‌ترین اصول مطرح‌شده بر مبنای قواعد فقهی مستدلی است که به عنوان چارچوب‌های معین درباره روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان در نظر گرفته می‌شود. قاعده نفی سبیل یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است که می‌تواند مبنایی برای روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان تلقی شود.

توضیح اینکه، از قواعد عام و استنادی فقهاء در ابواب مختلف فقهی قاعده نفی سبیل است که می‌تواند در حوزه روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود. بر اساس این قاعده، در تشریح اسلامی حکمی جعل نمی‌شود که بر پایه آن، کافر بتواند بر مسلمان سلطه یابد. هرگونه فعالیت اقتصادی و قراردادی که مستلزم تسلط کفار بر جامعه اسلامی یا فرد کافر بر مسلمان باشد، از نظر شرعی نامطلوب است و نفی می‌شود. تعیین دقیق‌تر مفاد قاعده و محدوده آن، در گرو بررسی مستندات آن است (۱۰). بنابراین در صورتی که روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان منجر به ضعف مسلمانان و تسلط غیرمسلمانان بر آنان نشود، ایرادی بر آن مترتب نیست. برای اثبات قاعده به برخی از آیات مربوطه اشاره می‌شود. از جمله آیه شریفه که می‌فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) «و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است» (۱).

مطابق آیه شریفه فوق، اصطلاح «سبیل» وقتی که با «الی» همراه می‌شود به معنای «راه» است و وقتی که با «علی» می‌آید به معنای غلبه کردن است. همچنان که مؤمن نیز درواقع، مسلمانان هستند که شامل همه فرق اسلامی نیز می‌شود. در هر صورت مقصود آیه آن است که خداوند حکمی را وضع نمی‌کند که موجبات سلطه غیرمسلمانان بر مسلمانان شود. بنابراین چنین رویکردی نیز در حوزه روابط تجاری حکمفرماست. بنابراین، آیه ناظر به نفی غلبه و سلطه در خارج و عالم تکوین نیست، چنان‌که در برخی روایات اشاره‌ای به آن

وجود دارد. آیه ناظر بر مشاهده احکام واقعی و ادله اولیه است. برای مثال براساس ادله اولیه، پدر و جد پدری بر فرزند ولایت دارند، ولی اگر پدر و جد کافر باشند، ولایت آنان به حکم آیه، منتفی است (۱۱).

معیار دیگری که برای روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان مطرح می‌شود، حفظ عزت و سربلندی مسلمانان در ارتباط با غیرمسلمانان است و این اصل نیز در راستای همان نفی سبیل قابل تفسیر است. همچنان‌که در آیه شریفه می‌خوانیم: (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ) «و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است» (۱).

بر اساس آنچه از آیه فوق استنباط می‌شود، تعامل بر مبنای عزت و شرافت اسلامی، مبنایی برای برقراری رابطه از جمله رابطه تجاری با غیرمسلمانان است که درواقع این پیام را نیز می‌رساند که نباید حکمی جعل شود که باعث ذلت و خواری مسلمانان گردد.

چارچوب روابط اقتصادی مسلمانان با کفار در قواعد فوق به خوبی نمایان است. به همین دلیل شایسته است چارچوب کلی روابط مسلمانان با کفار - که ضابطه اساسی تعاملات اقتصادی با آنان است - بیان گردد. این ضابطه در آیات ذیل منعکس است:

- لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ* إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. «خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند. هرکس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند» (۱). براساس آیه فوق، احکام روابط تجاری با غیرمسلمان کاملاً همسان نیست. به طوری که در

این زمینه می‌توان به دو دسته از غیرمسلمانان اشاره نمود. اولاً کسانی که آشکارا با احکام اسلامی و به طریق اولی دولت اسلامی مخالفت آشکار می‌کنند و اموال مسلمانان را تخریب می‌کنند که در این صورت نمی‌توان رابطه خاصی از جمله رابطه تجاری با آنان برقرار نمود. گروه دیگر شامل کسانی هستند که با دولت اسلامی و یا مسلمانان ستیزه نمی‌کنند و در عین تفاوت عقیدتی و حتی کافر بودن، رفتاری خصمانه ندارند که برقراری رابطه از جمله رابطه تجاری با آنان مشکلی ندارد و رعایت عدالت و تعامل حسنه با آنان حتی محبوب خداوند است (۱۲).

از دیدگاه فقها، در بعضی از موارد به دلیل قاعده نفی سبیل معامله کردن با کفار جایز نیست و آن در جایی است که معاملات منجر به سلطه کفار بر مسلمانان شود و بنابر آیه: وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱). چنین معاملاتی حرام و باطل است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به آیه شریفه و قاعده مذکور هرگونه قرارداد، رابطه، معامله و هر چیز دیگری که باعث تسلط کفار بر مسلمین اعم از سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، طبیعی و ... می‌باشد را ممنوع دانسته و اعلام می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری ... عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دُول غیر محارب استوار است». یکی از انواع سلطه کفار، سلطه اقتصادی است که از نظر شرع مقدس ممنوع است و مخالف اصل استقلال و آزادی و آزادی مسلمین است و برای نفی این سلطه هرگونه قرارداد، معامله و اعم از بیع، اجاره، مشارکت، مضاربه و ... که باعث سلطه کفار بر امور مسلمین شود حرام است. از آن جمله می‌توان به مسئله انحصارات اقتصادی مثل قرارداد تنباکو، واگذاری شرکت‌ها و یا عقد قرارداد در حوزه‌های کلیدی مثل قراردادهای نفتی اشاره نمود.

با توجه این موارد هر عملی که باعث قوت و تقویت جبهه کفر و یا تضعیف مسلمین باشد حرام و معامله باطل است. در ارتباط با فروش سلاح، بسیاری از فقهای شیعه تجارت سلاح به کفار را حرام می‌دانند و تمام چیزهایی که به

آن مرتبط بوده اعم از خود فعل، تکسب به آن، ساخت و نگهداری سلاح برای فروش به کفار و ... حرام است. فروش سلاح به دیگر کفار و دشمنان دین و نیز ساختن ابزار جنگی برای آنان، حرام است و نیز گذران زندگی از این راه کمک به آنان در جنگ با مسلمانان و مزد گرفتن برای این کار، نامشروع است (۱۲). از نظر برخی از فقها، کمک تسلیحاتی و فروش سلاح به دشمنان دین در وقت جنگ میان ما و آنان حرام است، ولی در وقت صلح، بردن اسلحه برای آنان و فروش کالای نظامی به آنان جایز است (۱۳). معامله با کافر حربی حرام است. زیرا معامله با کافر حربی از آن جهت که تقویت ایشان است و نیز اینکه هیچ تضمینی نیست که از این قدرت علیه اسلام استفاده نکند؛ لذا معامله حرام است. از نظر برخی از فقها بیع با تمام صنوف کفار بلا مانع است مگر کافر حربی و آن به این دلیل است که ملکیت کافر حربی بر اموالش محل اشکال است و این اشکال از این باب است که کافر حربی ملحق به عبد است و عبد، مالک نمی‌شود در خصوص مرتد فطری نیز چنین است (۱۴). با توجه به موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که علت عدم معامله با کافران، ایجاد سلطه آنان بر مسلمانان و تقویت جبهه کفر است که باعث تضعیف بازار مسلمانان می‌شود، ولی در جایی که سود به نفع بازار مسلمانان و تقویت بازار مسلمانان باشد منعی از سوی شارع مقدس وارد نشده است.

۳- امنیت تجاری غیرمسلمانان با مسلمانان

از نظر فقها اصل اولی در مورد روابط اقتصادی با کافران حربی جواز است، به جهت روایات فراوانی که اموال آنان را بی‌ارزش دانسته و هیچ استثنایی ندارد، اما کافران غیرحربی، اصل اولی جایز بودن روابط بازرگانی با آنان است. دلیل بر این مطلب اینکه فقها در شرایط متبایعین چهار شرط را معتبر دانسته‌اند که عبارتند از بلوغ، قصد، عقل و اختیار و در هیچ کجا اسلام را از شرایط متبایعین ندانسته‌اند؛ حتی کاشف‌الغطا تصریح به عدم اشتراط دارد و به صراحت می‌نویسد: در متعاقدين اسلام و ایمان شرط نیست و دلیل بر این مطلب اصالة الصحة و عموم احل الله البیع و اجماع فقها بر این مطلب است و در این بین هیچ فرقی در انواع کافر نیست (۱۴). در

هرگونه تبلیغات مضر و زیان‌بخش (چه زیان جسمی داشته باشد و یا اخلاقی و هرگونه وسایلی که مخصوص این کار است ممنوع است و خرید و فروش آنها حرام اعم از این که نام کتب ضلال بر آنها گذارده شود، یا نه، اما به‌هرحال مضر و زیان‌بخش باشد و تمام کسانی که کارمند این‌گونه دستگاه‌ها) و مؤسسات می‌شوند کارشان حرام و حقوق آنها نیز حرام است (۱۵).

نتیجه‌گیری

ریشه‌یابی تاریخی روابطه تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان از جهات مختلفی دارای اهمیت است. از جمله اینکه نشان‌دهنده اهمیت مسائل اقتصادی در نزد آموزه‌های دین اسلام است و از این جهت نحوه و اصول روابط تجاری با کشورها و ملل غیرمسلمان روشن می‌شود. آیات شریفه قرآن، روایات و سیره معصومین (ع) نشان می‌دهد که اصول کلی و قطعی در اسلام نیز نفی ربا و ثروت اندوزی از راه نامشروع، مبارزه با استثمار و بهره‌کشی، برقراری عدالت و مبارزه با اموال نامشروع و در نهایت حفظ نظم و امنیت عمومی است. در صورتی که معیارهای انسانی و حقوق شهروندی در این زمینه رعایت گردد، غیرمسلمانان نیز می‌توانند در جامعه اسلامی به‌صورت مسالمت‌آمیز به زندگی خود ادامه دهند و مسلمانان نیز می‌توانند از تعامل با آن بهره‌جویند. ضمن اینکه با استدلال در گذشته تاریخی رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، باید گفت که شرایط زمان و مکان، پیشرفت علوم و تکنولوژی، تغییر نظام‌های اجتماعی و حکومتی و تغییرات اساسی در سبک زندگی و تغییرات بی‌سابقه در نوع روابط اقتصادی مسلمانان با یکدیگر و با غیرمسلمانان، لزوم واکاوی در احکام فقهی را ایجاب می‌کند که از جمله این احکام نحوه رابطه و تعامل با غیرمسلمانان است که توجه به ابعاد و زوایای آن می‌تواند افق روشنی از تعامل جامعه اسلامی با سایر ملل را به ما نشان دهد. ضمن اینکه امروزه، دولت اسلامی شخصیت حقوقی است و تکلیف ندارد. بنابراین برقراری روابط با غیرمسلمانان توسط دولت اسلامی، از سویی باعث تقویت باز و اقتصاد مسلمانان می‌شود، ولی از سوی دیگر نباید باعث وهن و پایین آمدن جایگاه احکام اسلامی و حکومت اسلامی در اذهان

سیره مسلمین نیز نه‌تنها شاهد روابط اقتصادی میان مسلمان با غیر مسلمانان در عصر پیامبر (ص) و ائمه علیهم‌السلام بوده و هیچ معنی از طرف شارع مقدس نسبت به آن نیامده است، بلکه حکم زندگی کردن اهل ذمه در کنار مسلمان (با پرداخت جزیه) بر روابط اقتصادی بین آنها صحه می‌گذارد. حتی در مواردی ارتباط اقتصادی با کفار به‌عنوان کار نیکی معرفی شده، و داد و ستد با آنها به قصد هدایت و متمایل کردن قلوبشان به اسلام که یکی از مصارف است، توصیه می‌شود (۱). و در جای دیگر از قرآن کریم بر جمع‌آوری سلاح و قدرت نظامی برای نشانیدن ترس در دل دشمنان خدا امر شده است (۱) که خطاب آیه مطلق بوده و شامل تهیه تجهیزات نظامی از مسلمانان و غیر مسلمانان می‌شود و از این جهت بالا بردن امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی با بهره‌گیری از توان غیرمسلمانان نیز میسر است که می‌تواند توانایی اقتصادی و تجاری جامعه اسلامی را نیز فزونی ببخشد. با این حال، ضوابط و معیارهایی در این زمینه وجود دارند که به برخی از آنان اشاره می‌شود. اول اینکه، خرید و فروش اشیا که باعث تقویت دشمنان خدا و دشمنان خلق خدا می‌شود، مانند فروختن اسلحه به چنین افراد و حتی فروختن سلاح به دزدان و قطاع‌الطریق، همچنین غیر سلاح از وسایلی که به آنها در انجام مقاصدشان کمک می‌کند. گرچه فقها معمولاً «سلاح» را ذکر کرده‌اند، ولی بعضی از فقهای بزرگ این امر را منحصر به فروختن اسلحه ندانسته و آن را چنان تعمیم داده‌اند که شامل هر نوع تقویت و کمک مؤثر به این‌گونه اشخاص می‌شود؛ خواه اسلحه باشد یا غیر اسلحه. دوم، هرگونه همکاری و کمک به ظالمان و ستمگران، به صورت معاون، کارمند، کارگر، نویسنده، کارپرداز و مأمور خرید و فروش، راننده، و امثال آنها و به‌طور کلی «جزء دستگاه و تشکیلات آنان بودن»، هرچند عمل او مستقیماً ظلم و ستم نباشد. روی این جهت نه‌تنها کسی که از طرف یک دستگاه ستمگر و جبار مأمور شکنجه و آزار افراد بی‌گناه می‌گردد، کار و حقوق او حرام است، بلکه کسی که نویسنده مخصوص و وکیل خرج و یا حتی آشپز و طبیب مخصوص ظالمان باشد، کار او نیز از نظر فقه اسلام ممنوع و حرام و حقوقی که دریافت می‌کند نیز حرام است. سوم اینکه،

شده، و روابط تجاری و یا توسعه تجاری و رفاه جامعه اسلامی دستاویزی برای معاونت اثم در کالاهای حرام، رباخواری و ... و بهم خوردن نظم و امنیت عمومی جامعه اسلامی شود و حقوق شهروندان را مورد تعرض قرار دهد. از همه مهم‌تر حفظ و تداوم ارزش‌های اسلامی بسیار حائز اهمیت است که به طریق اولی در مسائل تجاری نیز مورد توجه است.

محدودیت‌های پژوهش

انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نظیر عدم دسترسی به منابع دست اول و بررسی متون اصیل در زمینه تاریخ روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان بوده است. به‌علاوه، به دلیل نگرش متفاوت فرق و مذاهب شیعی نسبت به رابطه تجاری و برداشت آنان از غیرمسلمانان نیازمند تعمق در منابع سایر مذاهب است که به دلیل عدم دسترسی به منابع مرتبط با توجه به نگرش مذهبی شیعیان نگارش شده است. بنابراین از یک جهت پژوهش حاضر نمی‌تواند گویای روابط تجاری مسلمانان با غیرمسلمانان از طرف همه فرق و مذاهب باشد، هرچند در این میان نگرش دین اسلام بر پایه آیات و روایات متقن انجام شده است. محدودیت دیگر این است که دامنه و گستردگی موضوع طیف متعددی از روابط تجاری مسلمانان را دربر می‌گیرد و از این جهت، به دلیل ظرفیت نوشتار، جایی برای بررسی انواع مختلفی از روابط تجاری میان مسلمانان و غیرمسلمانان وجود نداشته است.

References

1. The Holy Quran: Towbeh 34-35; Aaraf 131; Nesaa131; Nesaal35; Asraa 26; Momtaheneh 7-8; Baghareh 83; Towbeh 7; Nesaa 58; Momenon 8.
2. Hoseni Nasab. R. Fundamentals of Islamic Economics. Tehran: Publisher University of payam noor; 2010.
3. Dashti. J. Nahjalbalagheh. Qom: Publisher Mashhor; 2000.
4. Majlesi. M. B. BaharAlanvar. Beirut: Publisher Daralehya Alterath; 1982.
5. Amid Zanjani. A. A. Jurisprudence Political. Tehran: Publisher Amir kabir; 1995.
6. Hamidolla. M. International Conduct of the Islamic State. Trans Mohagheghdamad. M. Tehran: Publisher Olom islami; 2002.
7. Javadi Amoli. A. Rational and Religion. Magazin Pasdar Islam. 2002: 1 (250); pp. 1-8.
8. Hore Ameli. M. H. Vasael Al-Shieh. Tehran: Publisher Islamieh; 1979.
9. Javid. M. J Rereding the Philosophical Foundations of the Theory of Relativity in Citizenship Law. Journal Islamic Law. 2014: 11 (42); pp. 65-96.
10. Iravani. J. Introduction to Islamic economics. Mashhad: Publisher Razavi University; 2012.
11. Mousavi Bojnoordi. H. Alghavaed Alfaghihe. Qom: Publshe Alhadi; 1998.
12. Makrem Shirazi. N. Nemoneh Interpretation. Tehran: Publisher Daral Islamieh; 1986.
13. Toosi. M. H. Al-Nahayeh in Jurisprudence and Fatva. Beirut: Publisher Dar-Alketab Arabia; 1980.
14. I Ibn Edris, M. A. Alsaraer. Qom: Publisher Islami; 1989.
15. Kashefa Alghet. H. Anvar Alfeghahe. Najaf: Publisher Kashefa Alghet; 1984.
16. Makarem Shirazi. N. Lines of Islamic Economocs. Qom: School Imam Ali (A); 1981.